



آغاز "برکزیت" اسطوره اقتصاد ملی ثریا شهابی

مذاکرات در اتحادیه اروپا برای آغاز پایان دادن به حضور بریتانیا در این اتحادیه، پروسه معروف به "برکزیت"، ۲۹ مارس، شروع شد. شروع این تجدید آرایش در جهان غرب، بلافاصله عواقب اقتصادی-تجاری خود را، بیش از همه در خود بریتانیا، ببار آورد و همراه خود حقایق مهمی را از اعماق به سطح پرتاب کرد. اولین نتیجه برکزیت، قبل از وارد شدن به مراحل اجرایی، فرار بخشی از نیروی کار ماهر "غیربریتانیایی" است که خدمات بیمارستانی و درمانی به آن متکی بود. امری که هیئت حاکمه با آن نمیتوانست و توانست با سهل انگاری رفتار کند. ادامه سیاست ریاضت اقتصادی، تعرض به حقوق بیماران، از کار افتادگان، بیکاران، سالمندان، اقشار کم درآمد و تامین مالی و بیمه اجتماعی بگیران که پس از رفراendum برای جدایی ابعاد آن گسترده تر شد، میتواند از طرف حزب حاکم همچنان با بی اعتنائی ادامه یابد، اگر عواقب به همین محدود می ماند. شروع مذاکره بر سر اجرای برکزیت، بلافاصله سایه "فرار" بخشی از سرمایه های بزرگ

حکمتیست ۱۵۴

۳ آوریل ۲۰۱۷ - ۱۴ فروردین ۱۳۹۵
دوشنبه ها منتشر میشود

انتخابات و کسالت اپوزیسیون بورژوایی امان کفا

اخیرا سازمان اکثریت طی اعلامیه ای سیاست خود در رابطه با انتخابات را با "تحلیل" از اوضاع اعلام کرده است و از نیروهای آزادیخواه و دموکراتیک "دعوت" کرده است تا به حکومت فشار آورند تا فضای امنیتی را در هم شکنند، "بر مطالبه محوری و کنشگری انتخاباتی" تاکید کنند و خواهان "انتخاباتی آزاد" باشند! اکثریت مدعی است که صفوف اصول گرایان متبلا به "چند پارچگی" و "فقط الرجاء" است! بدنبال این اعلامیه، فرخ نعمت پور، از شورای سردبیران کار آن لاین، پرت از کل ماجرا، در مقاله ای، ضمن تایید مواضع اتخاذ شده سازمان، به انتقاد از اعلامیه پرداخته است، و برای جلوگیری از جاری شدن "سیاست نادقیق"، به سازمان مذکور یادآوری میکند که در مورد "گفتارهای مقام اصلی نظام دقت بیشتری شود"! گویا، هیئت اجرایی سیاسی سازمان یادشان رفته که "رفقای خود" را در مورد سیاست سازمان شیر فهم کنند، و بگویند که تمامی آسمان ریسمان بافتن های این "مفسران" درون خانوادگی آقای روحانی در چند ماه اخیر، برای نشان دادن "خطر اصولگرایان" در کنار زدن رئیس جمهوری "معتدل" شان و "خطر" یک دوره ای شدن روحانی است. آقای نعمت پور متوجه نیست که خاصیت "تحلیل های" کشاف و طولانی اطلاعییه بازار گرمی انتخاباتی این جریانات است. ... صفحه ۲



جمهوری اسلامی و معضل انتخابات

گفت و شنود با

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)
آذر مدرسی، خالد حاج محمدی

hekmatist.com

Backa kulturhus Selma Lagerlöfs
torg 24, Hisings Backa

شنبه ۲۲ آوریل

ساعت ۲ بعدازظهر

وریا نقشبندی ۰۷۰۵۸۲۷۵۸۳

تلفن تماس: سیوان رضایی ۰۷۳۹۲۴۱۳۸۳

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) یوتیوبی

پاپ هم "کافر" شد!

بفتیار پیرفهری



اخیرا پاپ فرانچسکو سخنانی را در جمع کاردینال ها و کشیش های واتیکان داشته است. پاپ برای چندمین بار با سخنان "کفرآلود" خود کاردینال ها و کشیکشان واتیکان را شوکه کرد. وی با اشاره به علم و دانشمندان بزرگ و به قول خودش دلائل کاملاً علمی و منطقی قبول میکند که منشاء پیدایش انسان از انفجار بزرگ (بیگ بنگ) بوده و موضوع آدم و حوا، طوفان نوح، طبقات هفتگانه آسمان و بسیاری از تئوری ها، داستانها و اسطوره های مذاهب مختلف در کتابهای "مقدس" شان را خرافی میدانند. پاپ "کافر" وجود جهنم را دروغ خوانده و به رشد علم و تکنولوژی اقرار میکند. انجیل، تورات و قرآن را قدیمی خوانده و گفته است که با توجه به پیشرفت و دست آوردهای بشریت ادیان و قرآن و انجیل و ... هم باید رشد و تغییر کنند و منطبق با این پیشرفتهای علم امروز به روز شوند! ... صفحه ۴

آزادی
برابری
حکومت کارگری

انتخابات و ...

اکثریت بخوبی به این امر واقف است که روحانی کماکان سرکار خواهد ماند و برای جمهوری اسلامی تغییر در چهره نمایندگی رسمی جمهوری اسلامی نه ممکن و نه مفید است. سازمان اکثریت میداند "انتقادهای" چهره ها و کارت های سوخته ای چون احمدی نژاد، و اعتراض روحانی به "چوب لای چرخ کردن ها"، گویا تر از هر دوره انتخاباتی دیگری، یک خیمه شب بازی انتخاباتی جهان سومی است تا نشان جدی از تغییر در بالای حکومت جمهوری اسلامی.

انگار هیئت اجرایی-سیاسی اکثریت فراموش کرده که به شورای سردبیران یادآور شود که قدر مسلم همه می دانند که روحانی نماینده رسمی جمهوری اسلامی بود ولی برجام و طراحی آن، نه توسط وی، بلکه با تایید و مهر و موم ولی فقیه بود که به میان آمد و پیش رفت. بدون پشتوانه رهبر، نه روحانی و نه ظریف و هیئت مذاکره، قادر به نتیجه رساندن مذاکرات نبودند و به این اعتبار، زیر پا زدن به روحانی و دولتش، آنهم در شرایط کنونی، به هیچوجه در دستور خاмене ای نیست و

علیرغم "انتقادات آفا"، روحانی نماینده رسمی و رئیس جمهور آتی مورد قبول خاмене ای است. واضح است که چه اصول گرایان دوآتشه و چه هر جناح دیگری، به این امر کاملاً واقفند و به همین دلیل است که کسی از میان هیچکدام از جناح های درون جمهوری اسلامی حاضر نیست که خود را "فربانی" بازی انتخاباتی و بازار گرمی برای آن کند که نتیجه اش از پیش معلوم است. اکثریت هم به همین اندازه به این امر واقف است، اما با استتار آن سعی دارد تا همگام با جمهوری اسلامی، با دامن زدن به "خطر هجوم اصولگرایان" و نامعلومی نتیجه انتخابات، مردم را پای صندوق های رای بکشانند. بازی شناخته شده ای که کارگردان آن را نه هیئت سیاسی-اجرایی سازمان اکثریت که دولت روحانی و اصلاح طلبان به عهده دارند. اکثریت در این نمایش طبق معمول نقش پادو را به عهده دارد.

علیرغم نزدیک شدن انتخابات و برگزاری "همایش های" دستجمعی، مقامات جمهوری اسلامی از ولی فقیه تا رهبر اعتدال، از دلوایسان اصولگرا تا نمایندگان درجه سوم مجلس

و حتی طیف های حاشیه ای تر پرتاب شده به اپوزیسیون چون اکثریتی و توده ای، همگی اذعان دارند که بازار کساد انتخاباتی جمهوری اسلامی، دیگر قابل گرم کردن نیست. میدانند که کسی قصد رفتن به پای صندوق رای ندارد. کل فضای براتب امنیتی تر قبل انتخابات این دوره، نسبت به دور قبلی، دقیقاً بدلیل علم کامل جمهوری اسلامی به ریختن توهم مردم به جناح های حکومتی و "خطرات" ناشی از این امر، خطر اعتراض عمومی علیه شرایط وخیم اقتصادی و سیاسی در جامعه است. همه جناح ها میدانند که در چنین شرایطی حکومت نمی تواند به کنترل اوضاع و کانالیزه کردن اعتراضات به نفع یکی از جناح های موجود، مشخصاً روحانی، مطمئن باشد.

وخامت اوضاع اقتصادی و وضعیت معیشتی که گریبان جامعه و مشخصاً طبقه کارگر در ایران را گرفته است، در بطن بی اعتمادی به جناح های موجود، از قدرت جمهوری اسلامی در کنترل اوضاع بشدت کاسته است. به همین دلیل، بورژوازی در ایران و کل جناح های آن در حاکمیت، کاملاً آگاهانه خواهان

برقراری فضای امنیتی بیش از پیش بر کل جامعه هستند. سازمان اکثریت مثل همیشه بعنوان پادو و نوچه جناح اصلاح طلب و اعتدال، تلاش میکنند گسترش خفقان و تشدید فضای امنیتی، این نقطه اشتراک و نیاز همه جناح ها، را صرفاً به اصولگرایان منصوب کند. اکثریت سنتا شاخه سیاسی دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی برای عقب راندن و عقیم ساختن هرگونه اعتراض عمومی علیه کلیت جمهوری اسلامی در ایران است.

در این دنیای وارونه، گویی امر بر عضو شورای دبیران کار آنلاین هم مشتبه شده است و در خیال خود تصور می کند که مردم هم یادشان رفته که اکثریت، سازمانی است که بعنوان بخشی از کل دستگاه حکومت جمهوری اسلامی "امام مردم" را سرپا نگاه داشت؛ سازمانی که نیروهای آن همراه و همدست ساواما، به شناسایی و دستگیری معترضین و مخالفان جمهوری اسلامی پرداخت تا زمانیکه تاریخ مصرف اش تمام شد و با اردنگی به صف اپوزیسیون پرتاب شد. پرتابی که نتیجه پروسه یکدست شدن کل حکومت جمهوری اسلامی، در دو دهه اخیر بوده است.

برخلاف ژست های "آزادی خواهانه" آن، سیاست های "انتقادی" این سازمان (حتی از سلطنت)، همچون روز اول خود، برای مصون نگه داشتن سرمایه از تعرض کارگران و کل اردوی نیروی کار، کماکان پابرجاست. تبلیغات امروز این سازمان برای کشاندن مردم به پای صندوق های رای در انتخاب آتی نیز، از این قاعده مستثنا نیست.

نباید اجازه داد به بهانه دعوای داخلی، نیروی ما را سبیهی لشکر نزاع های خود محسوب کنند.

باید در مقابل همه جریانات سیاسی که مردم را به بهانه مضحکه انتخابات ۹۶ به دنباله روی از این یا آن دارودسته جنایتکار فرامیخوانند، ایستاد، و آنها را بعنوان پروکاتوره های رژیم افشاء کرد. باید حقایق مربوط به جنایتکار بودن تمام دار و دسته های حاکمیت را مجدداً بازگو کرد. باید گفت که همه جناح ها در جهنمی که آفریده اند و هریک ریاکارانه تلاش میکنند خود را از آن مبرا کند، شریکند. برای مردم، جانی خوب و بد وجود ندارد. برای مردم، مرتجع و سرکوبگر خوب و بد وجود ندارد. همه شخصیت ها و مسئولین و کاندیداهای نظامشان، اگر دست مردم بود، امروز پشت میله های زندان در انتظار محاکمه و پاسخ گویی به پرونده جنایاتشان می بودند.

زنده باد سوسیالیسم!

مرکب بر جمهوری اسلامی!

آغاز برکزیت...

به اضافه معضل حفظ حق حاکمیت بریتانیا بر جبرالطارق (از مناطق تحت حاکمیت بریتانیا "در خاک" اسپانیا)، جدی تر شدن مسئله رفتن در اسکاتلند، برای جدایی از بریتانیا، ناروشنی ادامه پیوند ایرلند شمالی با بریتانیا و دهها دهها معضل دیگر، هیئت حاکمه بریتانیا را با معضلات جدی تر روبرو کرده است. دورنمای بریتانیای "آزاد" اما تکه پاره شده، با تخصیصات ملی و مذهبی که قادر به حفظ اتحادهای تاریخی قبلی خود نیست، خطر فرار سرمایه و نیروی کار، خطر ورشکستگی اقتصادی، بیکاری های وسیع تر، آینده سیاسی و اقتصادی این جزیره را در هاله ای از ابهام فرو برد. برای به حداقل رساندن خسارات برکزیت از زاویه منافع بورژوازی بریتانیا، هیئت حاکمه بریتانیا عقب نشینی مهمی کرد. اولین اقدام بریتانیا عبارت بود از: حفظ تمام قوانینی که اتحادیه اروپا تصویب کرده بود و قبول جمعی آنها به عنوان قوانین مصوبه پارلمان بریتانیا است، با این وعده که در آینده پارلمان بریتانیا هرگونه که لازم بداند قادر

است آن را تعدیل کند. به این ترتیب و برای جلوگیری از خلا قوانین و مقررات مالی - تجاری و مقابله با فروپاشی "امپراطوری مالی" در بریتانیا، فوری ترین اقدام عملی هیئت حاکمه بریتانیا در آغاز مذاکرات برکزیت، قبول هژمونی قوانین اتحادیه اروپا بر پارلمان بریتانیا است. این عقب نشینی اساسا نه برای حفظ قوانین "حفاظت از محیط زیست" و "قوانین حمایتی از نیروی کار"، که برای نجات سرمایه در بریتانیا است! با این اقدام، هیئت حاکمه بریتانیا مهمترین پرچم سیاسی و اعتراض به تصویب قوانین در "خارج کشور" و پارلمان "غیرخودی" اروپا در مقابل پارلمان "خودی، ملی و وطنی" بریتانیا بود را، بر زمین انداخت. با این عقب نشینی هم تیری به پای خود، ناسیونالیسم عظمت طلب بریتانیایی، زد و هم

اپوزیسیون پارلمانی مدافع حفظ این قوانین را، حزب لیبر، تماما بی خاصیت و بی وظیفه کرد. بورژوازی بریتانیا ناچار شد پرده های فریب و عوام فریبی را کنار زند و عملا اعلام کند که: سرمایه و کار، وطن ندارد! واقعیات مادی، بورژوازی

بریتانیا و بدنبال آن اروپا را ناچار به اعتراف به این واقعیت کرد که: در دنیای امروز، وطن جایی است که سود و کار و استثمار هست! باز هم معلوم شد که مشکل اقتصاد بریتانیا، همچون مشکل اقتصاد آمریکا و فرانسه و سوئد و ایتالیا و یونان و .. نه سیل ورود فراریان از خاورمیانه و سیاست های پناهنده و مهاجر پذیری این کشورها، نه ورود بی رویه نیروی کار ماهر از اروپای شرقی و سایر کشورهای اروپایی، نه کشورهای اقتصاد های مجاور، که معضلی دیگر، کاملا وطنی و داخلی است و برچسب صددرصد بریتانیایی هم بر خود دارد. اقتصادی که متکی به نیروی کار ارزان میلیونی نیست، و اهرم اختناق کامل برای ارزان نگاه داشتن آن را در دست ندارد، در مقابل اقتصاد چین و بنگلادش و پاکستان و .. محکوم به ورشکستگی است! سرمایه بحران ندارد! بخشی از سرمایه، بورژوازی غرب است که در بن بست و در لبه پرتگاه ورشکستگی است! در چین و بنگلادش و پاکستان و هندوستان و جغرافیاهای اشباع شده از نیروی کار ارزان و فقر و محرومیت و اختناق، سرمایه نه تنها بحران ندارد، که در

حال رشد و شکوفایی است. رشد و شکوفایی که در نظام سرمایه داری که امروز جهانی است، تنها و تنها با ساعت کار طولانی و طاقت فرسا، چند شیفته و گاه هفتاد ساعت در هفته، با تحمیل بی حقوقی مطلق، فقر و محرومیت و ارزانی نیروی کار، کار میلیونی کودکان، بدست آمده است و بدست می آید. بورژوازی غرب نه تنها الگوی رشد اقتصادی ندارد، که قادر به حفظ وضع موجود هم نیست. بیش از دو دهه است که این معضل برای حل، به شیوه های مختلف و از جمله تخریب چندین جامعه در خاورمیانه و مهندسی خاورمیانه قومی و مذهبی در جریان است و آمریکا و اروپا پس از شکست پروژه های میلیاریستی قادر به حل آن نشدند. تلاش نوستالژیک گونه بخشی از بورژوازی غرب برای بازسازی فضای سیاسی دوقطبی های جنگ سردی روسیه - آمریکا، و غرب و شرق، به این امید که نجات شان دهد، هم هرگز نتوانست از حرف به عمل درآید. همه این تلاشها تنها و تنها آنچه که امروز در اروپا و آمریکا در جریان است را به تعویق انداخت! حفظ سرکردی سیاسی و ایدئولوژیک بورژوازی غرب،

بدون داشتن مقام سرکردگی اقتصادی، حتی با وجود سرکردگی میلیتاریستی، عمارت بی پایه و کاغذی بیش نیست و فرومی پاشد. بریتانیا معضل بن بست و فقدان الگوی رشد دارد. امری که تنها و تنها با عقب راندن طبقه کارگر در بریتانیا و اروپا و آمریکا به قبول کار و زندگی در استاندارد کارگر هندی و بنگلادشی و چینی، یا با تغییر نظام اقتصادی به سوسیالیسم، میتواند پاسخ بگیرد. شروع پروژه مذاکره در مورد جدایی بریتانیا از اتحاد اروپا، مهمتر و در عین حال سوت پایان یک دور عوامفریبی و داعیه های راست افراطی، راست طرفدار اقتصادهای ملی و کشوری و باز گذاشتن افسار رقابت در میان صفوف بورژوازی غرب، را به صدا درآورد! شروع پروژه مذاکره در مورد جدایی بریتانیا بعلاوه ناقوس اوج گیری جدال ها و صف بندی های طبقاتی در خود جهان غرب را رساتر کرد!

حکمت را تو زیع و
نخ کنی!

زنده باد هویت انسانی!

نه قومی! نه مذهبی!

پاپ ...

بی مورد نیست تعداد زیادی از کاردینال ها و کشیش های واتیکان و همچنین کشورهای اروپایی و امریکایی لقب "پاپ کمونیست" را به او داده اند. وی قبلا هم حرفهای کفرآلود زده است. همان اوائل که به عنوان رهبر مسیحیان جهان انتخاب شد به مسئله همجنسگرایی پرداخت، و برخلاف اکثریت واتیکان، بدون اما و اگر همجنسگرایی را طبیعی اعلام کرد و گفت که علم ثابت کرده که همجنسگرایی و ترانس بودن مرض نیست و طبیعی است و این افراد باید مورد حمایت قرار بگیرند. او عبادت و کلیسا رفتن را جزو وظایف دینی مردم نمیداند و میگوید خدا در وجود انسانها است و نیاز به تظاهر نیست. همچنین مسائل دیگری که قبلا مطرح کردن آنها توسط یک رهبر روحانی جرم محسوب میشد. به راستی چرا پاپ "کافر" شده؟ آیا باید سخنان پاپ را به حساب لیبرال شدن مسیحیت و واتیکان گذاشت؟ آیا ما شاهد انقلابی در مسیحیت و کلیسای کاتولیک آنهم توسط راس آن و شخص پاپ هستیم؟ وی دقیقا بدنبال دادن چنین تصویری از کلیسای کاتولیک و واتیکان و دین مسیحیت، در مقابل "خشک مغزی" و توحش اسلام است. سخنان او تصویر دیگری از مذهب

بدست میدهد. مذهبی لیبرال تر، علمی تر، کمتر "خشک مغز"، مذهبی که خود را با مقتضیات روز و پیشرفتهای علمی و فرهنگی عصر خود هماهنگ میکند، مذهبی "انسانی" تر! سخنان کفرآلود پاپ نه ناشی از تفاوت وی با سایر کاردینالهای واتیکان، بلکه اساسا ناشی از خطری است که پاپ "هوشمند" آن را درک کرده است. خطر نه فقط مذهب گریزی که مذهب زدایی از جامعه! فشار جامعه و بی دینی و روی آوری نسل جوان به بی خدایی و آگنوستیک بودن و به سخره گرفتن خدا و ادیان در مکان های عمومی، کساد شدن بازار کلیسا و بسته شدن بسیاری از کلیساها در اروپا و آمریکا به دلیل عدم مراجعه مردم، رایج و عادی شدن ازدواج های غیر مذهبی، زیر سوال بردن کشیش ها توسط بچه های دبستانی و کم آوردن کشیش ها در مواجهه با سوالات و منطقی بچه ها، محو شدن تبلیغات مذهبی در شبکه های اجتماعی و رسانه ها تا حد بسیار زیادی، کم آوردن مذاهب در برابر علم فیزیک و نجوم و زیست شناسی و سایر علوم، به علاوه رو شدن پرونده های سوءاستفاده های جنسی در کلیسا و کثافتکاری های کشیشان، کشف گورهای دستجمعی کودکان تحت سرپرستی کلیسا، و دهها دلایل دیگر پاپ را مجبور کرده است که برای نجات

صنعت مذهب اینچنین به دست و پا بیفتد و مغلوب علم و دست آوردهای بشر بشود. در نقد ترهات مندرج در انجیل و تورات و قرآن و واهی بودن داستانهای مذهبی و در ضرورت بازبینی این ترهات به حرف بیاید. پاپ فرانسیسکو نه کمونیست است و نه کافر. او نماینده تمام و کمال کلیسای کاتولیک است که برای نجات دستگاه مذهب حاضر است با کمونیسم، علم، انسانیت و ... آشتی کند. پاپ تنها نیست؛ در کنار او و بخش زیادی از کاردینال ها و کشیش ها، هراسی به مراتب عظیم تر امامان نماز جمعه ها و سران جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی عملی از تحمیل قوانین اسلامی به جامعه و طرح رشد بی مذهبی و ضدیت با مذهب در نزد نسل جوان کرده است. نه "پاپ کافر" و نه "آخوندهای لیبرال" قادر به نجات دستگاه مذهب و مقابله با موج وسیع مذهب گریزی نیستند. نسل جوان امروز و نسلهای آتی سیاهی و ظلمت مذاهب و خدایان را قبول نمیکند و آثار آنرا از زندگی بشریت پاک خواهند کرد. بدون خدا و دین جهان جای بهتری برای زندگی کردن است!

سایت آرشیو

مجموعه آثار

منصور حکمت



<http://hekmat.public-archive.net/>

نشریه هفته

حزب حکمتیست (خبرنامه)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

زنده باد انقلاب کارگری!